

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)

سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۳، پیاپی ۱۴۳، بهار ۱۴۰۱

مقاله علمی - پژوهشی

صفحات ۵۴-۳۱

فرمانروایی ساسانیان بر سوریه در دوره خسرو پرویز (۶۲۸-۶۰۴م)^۱

احمد الحواط^۲

محمدتقی ایمانپور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

چکیده

حاکمیت ساسانیان بر سوریه در دوران خسرو پرویز (۶۲۸-۶۰۴م) یکی از موضوعات بحث شده بین پژوهشگران تاریخ باستان در طول صد سال گذشته بوده است. بسیاری از آنان دوران فرمانروایی ساسانیان بر سوریه در زمان خسرو پرویز را دوره فروپاشی نهادها و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی سرزمین سوریه می دانند و آن را بسیار منفی و مخرب معرفی کرده اند. در این مقاله تلاش شد برخلاف نظر رایج و بر اساس شواهد تاریخی و با استفاده از منابع نوشتاری و داده های باستان شناسی نشان داده شود که فرمانروایی ساسانیان بر سوریه سبب فروپاشی ساختارهای اداری، اجتماعی فرهنگی و اقتصادی این سرزمین نشد و ساختارهای پیشین با مختصر تغییرات ادامه پیدا کرد. ساسانیان با سلطه نظامی بر این سرزمین، ساختار اداری و نظم پیشین را با اندکی تغییرات دوباره سازماندهی کردند. هر چند آنان مدیریت سیاسی و نظامی را خود بر عهده گرفتند، مدیریت مالی و مدنی این سرزمین همچنان در کنترل اشراف محلی شهری و رهبران دینی باقی ماند. این پژوهش به گونه توصیفی تحلیلی و با استفاده از شیوه پژوهش های تاریخی انجام گرفته است.

واژه های کلیدی: ساسانیان، سوریه، خسرو پرویز، بیزانس، اشراف محلی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/HI.2022.38245.2564

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران: ahamad.alhwwat@gmail.com

۳. استاد تاریخ ایران باستان، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول): mimanpour@hotmail.com

- مقاله مستخرج از پایان نامه با عنوان «منازعات ساسانیان با روم در سوریه از شاهپور دوم تا فروپاشی سلسله ساسانیان ۶۲۸-۳۲۹م-» دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۹۹ می باشد.

مقدمه

خسرو پرویز کشتن موریس امپراتور بیزانس و از حامیان پیشین خود به دست فوکاس را بهانه کرد تا علیه بیزانس وارد جنگ شود. او در سال ۶۰۴م سپاهی روانه ادسا و آنجا را تصرف کرد و سال بعد شهر دارا نیز به دست سپاه ساسانی سقوط کرد. خسرو پرویز جنگ علیه سرزمین‌های بیزانس از جمله شهر انطاکیه و سپس سرزمین سوریه را که تحت سلطه امپراتوری بیزانس بود ادامه داد و دمشق نیز در سال ۶۱۳م به دست سپاه ساسانی افتاد. در پی سقوط دمشق، سرزمین سوریه به طور کامل تحت سلطه سپاه خسرو پرویز درآمد (Howard-Johnston, 2006: 57-58; Howard-Johnston, 2017: 1-2, 7-10). پژوهشگران و باستان‌شناسان معتقدند که فتوحات و فرمانروایی ساسانیان در سوریه که نزدیک دو دهه (۶۲۸-۶۰۴م) دوام یافت، فاجعه بار بود و منجر به تضعیف و تزلزل ساختار اجتماعی، سیستم اداری و اقتصادی این سرزمین شد. کونداکوف^۱ مورخ هنر روسی، اولین کسی بود که این ادعا را در سال ۱۹۰۴م مطرح کرد. او می‌گوید: «حملات ایرانیان به سوریه بلافاصله، زوال و فروپاشی تمدن یونانی - رومی این کشور را تسریع کرد؛ شهرها توسط ساسانیان غارت شدند و مردم از شهرها پا به فرار گذاشتند، صومعه و کلیساها به شکل دائمی یا موقت نابود گردیدند و رونق اقتصادی و بازرگانی سوریه متوقف شد و از آن زمان به بعد شکوفایی فرهنگی این کشور به پایان رسید.» (Quoted by Vasiliev, 1952: 195) بسیاری از دانشمندان مانند فازیلیف و مایرسون ادعاهای کونداکوف را پذیرفتند و ترویج دادند (Vasiliev, 1952: 195; Mayerson, 1964: 191-192). همچنین عده‌ای از باستان‌شناسان با تکیه بر کاوش‌های باستان‌شناسی که در فلسطین و جنوب سوریه که قبل از دهه ۱۹۸۰م انجام شد، معتقدند که فرمانروایی ساسانیان بر سوریه، نقش تعیین‌کننده‌ای در فروپاشی ساختار اجتماعی و اقتصادی آن داشت. پیرامون نقش مخرب ساسانیان در سوریه بر بعضی از گزارش‌های تاریخی و عمدتاً همین گزارش‌های باستان‌شناسی استوار است تا جایی که بعضی نقش تخریبی ساسانیان در سوریه را مشابه ادعاهای مربوط به آثار و خرابی‌های ناشی از حمله مغول به ایران دانسته‌اند (Thus: Theodoropoulos, 2020: 267-262; Dauphin, 1998: 352-360).

در هر حال، به نظر می‌رسد نظریات و تحلیل‌های ارائه‌شده برخی از پژوهشگران فوق‌الذکر نمی‌تواند ماهیت و چگونگی حاکمیت ساسانیان بر سوریه را به طور کامل توضیح دهد؛ اگرچه، اسناد تاریخی آن دوران ناکافی است و توصیف منسجمی ارائه نمی‌دهند، با این حال، مطالب

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۱ / ۳۳

پراکنده نوشتاری و باستان‌شناسی زیادی وجود دارد که برخلاف دیدگاه‌های رایج، تصویر متفاوتی از پیامدهای حضور ساسانیان را، خصوصاً در دوران ۲۰ ساله خسرو پرویز در سوریه، نشان می‌دهد. لذا شایسته است تحولات این دوره در سوریه بازنگری شود و با دقت و جزئیات بیشتری مطالعه شود؛ از این رو در این مقاله تلاش شده است از طریق ارزیابی مجدد آثار نوشتاری و گزارش کاوش‌های باستان‌شناسی تصویر روشن‌تری از حاکمیت ساسانیان بر سوریه و پیامدها و تأثیرات آن بر ساختار اداری، اجتماعی و سیستم اقتصادی آن ارائه شود. برای این منظور در این پژوهش تلاش شده است تا پس از ارائه بحث مختصری درباره حضور ساسانیان در سوریه، در ادامه با تکیه بر روایات تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناسی و با رویکرد تاریخی و روش توصیفی تحلیلی، تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سوریه تحت فرمانروایی ساسانیان بررسی شود.

پیشینه پژوهش

پژوهشگران در حوزه تاریخ ایران، روم و سوریه پژوهش‌های ارزشمندی را به رشته تحریر درآورده‌اند. این پژوهش‌ها با توجه به موضوع مدنظر، هر کدام بخشی از ساختار اجتماعی و اقتصادی سوریه در دوره خسرو پرویز را بررسی کرده‌اند، اما هیچ‌کدام به صورت جامع و مستقل بر موضوع حضور ساسانیان در سوریه در زمان خسرو پرویز و پیامدهای آن تمرکز نکرده‌اند. از جمله مهم‌ترین این منابع، می‌توان به مقاله «وضعیت و نقش سیاسی یهودیان در روزگار خسرو پرویز» اثر روزبه زرین‌کوب و جمشید قهرمانی، اشاره کرد که در آن تنها به زندگی یهودیان در دوره خسرو پرویز به صورت عام پرداخته شده است یا می‌توان به کتاب *ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی اثر نینا پیگولفسکایا* نیز کتاب

Defenders and enemies of the true cross: The Sasanian Conquest of Jerusalem in 614 and Byzantine Ideology of Anti-Persian Warfare ؛

مقاله یوری ستیانوف تحت عنوان

Introduction: Greater Syria in the Seventh Century: Context and Background

و اثر ژوهن هالدون اشاره کرد که هر یک به صورت کلی به ابعاد خاصی از منازعات ایران و

بیزانس در سوریه اشاره کرده‌اند. همچنین باید به مقاله هوگ کیندی با عنوان

Syrian Elites from Byzantium to Islam: Survival or Extinction?

اشاره کرد که در آن اطلاعات ارزشمندی درباره اشراف و خانواده‌های استقراتی سوریه در

زمان فرمانروایی ساسانیان در سوریه فراهم کرده است و همچنین مقاله کلایف فوسس با

عنوان

The Persians in the Roman Near East (602-630 AD)

که اطلاعات مفید درباره ساختار اجتماعی سوریه در زمان ساسانیان دارد. به هر حال، هیچ کدام از این آثار به صورت جامع به تاریخ سوریه در دوران پادشاهی خسرو پرویز به صورت خاص نپرداخته‌اند؛ بنابراین ضرورت دارد با ارزیابی مجدد منابع نوشتاری و داده‌های باستان‌شناسی، موضوع حضور ساسانیان در سوریه در دوران خسرو پرویز بررسی شود. برخلاف نظریه رایج به نظر می‌رسد حضور ساسانیان در سوریه در دوره خسرو پرویز منجر به تحولات و تغییرات عمده‌ای در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سوریه نشد و ساختارهای پیشین تقریباً بدون تغییر ادامه پیدا کرد. امید است که این پژوهش، کار بایسته‌ای در این حوزه باشد و راه را برای پژوهش‌های دیگر در این زمینه هموار کند.

حضور ساسانیان در سوریه در دوره خسرو پرویز بر اساس گزارش‌های تاریخی و کاوش‌های باستان‌شناسی

در بعضی از منابع تاریخی کهن به حملات ویرانگرانه ساسانیان به سوریه در دوره خسرو پرویز اشاره شده است که به عنوان مثال می‌توان از ثئوفلیس از ادسا نام برد که وی نقل می‌کند سپاهیان خسرو پرویز پس از تسخیر سوریه اقدام به تخریب و غارت سرزمین‌های سوریه از جمله کلیساهای سوریه کردند و بسیاری از مردم را به قتل رساندند (Theophilus of Edessa, 2011: 66-67). میخائیل سریانی (۱۹۹۶: ۲/۲۹۳) نیز در این باره می‌گوید: «ایرانیان سرزمین سوریه را تحت انقیاد خود آوردند، به تاراج پرداختند و مردمان بی‌شماری را اسیر کردند». همچنین آگابیوس و ثئوفلیس اشاره می‌کنند که ایرانیان پس از سلطه بر سوریه در دوره خسرو پرویز، ثروت هنگفتی را از سرزمین‌های سوریه خارج کردند. آنها تعداد بی‌شماری اسیر و غنیمت گرفتند و هرگونه مال و اموال، حتی ستون‌های مرمرین و تخته‌سنگ‌های بسیاری را روانه ایران کردند (اغابیوس، ۱۹۰۷: ۳۳۱؛ Theophilus of Edessa, 2011: 67). بنا به ادعای جیمز ادسای، هنگامی که سپاهیان خسرو پرویز به سوریه نزدیک شد، بسیاری از مردم و اسقف‌ها و کشیشان مسیحی پا به فرار گذاشتند و به مصر پناه بردند (James of Edessa, 1993: 38).

در بعضی دیگر از روایت‌های تاریخی نیز از کشتار بی‌رحمانه و تخریب بیت‌المقدس توسط سپاهیان خسرو پرویز گزارش می‌دهند؛ بنابراین روایات، ایرانیان و یهودیان، هزاران مسیحی را در بیت‌المقدس کشتند و اسرای جنگی که در رأس آنان بطریق بیت‌المقدس، زکریا بود و صلیب مقدس همراه اشیا دیگر و چیزهای با ارزش مختلفی را گرفتند و به تیسفون فرستادند (سبئوس، ۱۳۹۶: ۱۶۷ و ۳۴؛ The Chronicle of Paschale, 2007: 156). بنا بر ادعای آنان،

سپاهیان خسرو پرویز همه کلیساها، مانند کلیسای رستاخیز در بیت المقدس، کنیسه جشمانی والیونا در کوه زیتون و سایر بناها را نیز آتش زدند (رویدادنامه خوزستان، ۱۳۹۵: ۸۲؛ Stoyanov, 2011: 13). علاوه بر این، در گزارش این نویسندگان آمده است که در جنوب سوریه بسیاری از صومعه‌ها و جوامع رهبانی آنها، مانند صومعه مارسابا، خوزیبا، مار مارتیوس، سنت جان باپتیست در معرض ویرانی، کشتار و آواره شدن قرار گرفتند (Theodoropoulos, 2020: 269). به علاوه، در تأیید گزارش‌های فوق، باستان‌شناسانی که قبل از دهه ۱۹۸۰م در سوریه و فلسطین کاوش کردند، تخریب کلیساها و وخامت وضع اجتماعی و اقتصادی سوریه را به دوران پادشاهی خسرو پرویز نسبت دادند (Tsafrir, and Foerster, 1997: 145; Mayerson, 1964: 192-191; Dauphin, 1998: 352-360).

در هر حال، هر چند در مجموعه گزارش‌های فوق نشانه‌هایی از واقعیت وجود دارد، به نظر می‌رسد همه واقعیت نباشد؛ زیرا بر اساس بعضی از گزارش‌ها، تخریب و ویرانی‌ها اغلب محدود به نواحی و مکان‌هایی است که در مقابل سپاه خسرو پرویز مقاومت کرده‌اند، اما به افراد غیرنظامی صدمه‌ای جدی وارد نشد (میخائیل سریانی، ۱۹۹۶: ۲/۲۷۰-۲۶۸). در رابطه با شواهد باستان‌شناسی نیز باستان‌شناسان موفق نشده‌اند تاریخ دقیقی برای این لایه‌های باستانی و تخریب‌ها تعیین کنند. به عنوان مثال مشخص نیست که این تخریب‌ها دقیقاً در اوایل قرن هفتم میلادی یعنی در زمان خسرو پرویز اتفاق افتاده است یا اینکه این ویرانی‌ها ممکن است چند دهه بعدتر و پس از فتوحات مسلمانان انجام شده باشد یا حتی ممکن است بعضی از این ویرانی‌ها ناشی از بلایای طبیعی بوده باشد (Scick, 1995: 6-7). به نظر می‌رسد باستان‌شناسان تنها با شناسایی بعضی از بقایای ویرانی‌ها و با وجود شک و تردید درباره علل و زمان آسیب‌ها و ویرانی‌ها و بدون توجه به منابع مکتوب، سعی کرده‌اند آنها را به دوران حاکمیت ساسانیان بر سوریه در دوره خسرو پرویز نسبت دهند (Stoyanov, 2011: 15-16). به علاوه، کاوش‌هایی که در سال‌های اخیر در بعضی از نواحی سوریه انجام شد در تناقض با یافته‌های پیشین است (Walmsley, 2007: 45; Reynolds, 2013: 108-113). به عنوان مثال، کاوشگرانی که در دیوکوپولیس، جلیل، طبریه و قیصریه کاوش کردند، نتوانستند لایه‌های تخریب مربوط به دوره خسرو پرویز را شناسایی کنند (Reynolds, 2013: 113; Stemberger, 2006: 316-317). همچنین، شواهد جدید گواهی می‌دهد که کلیسای جشمانی تا اوایل دوره اسلامی همچنان فعال بوده است (Schick, 1995: 335-337, 350-355; Ruseel, 2001: 49). علاوه بر این، در حفاری‌های انجام‌شده اخیر در جوامع رهبانی بیزانس در این منطقه، هیچ لایه تخریبی کشف نشد و تداوم استفاده از صومعه‌ها در دوره اولیه اسلامی را به روشنی نشان می‌دهد

(Avni, 2010: 35-48; Schick, 1995: 349-341).

به هر حال، یافته‌های باستان‌شناسی جدید در جنوب سوریه نشان می‌دهد که تخریب و ویرانی متناسب به دوران خسرو پرویز در این منطقه بسیار اغراق‌آمیز بوده و زندگی مانند گذشته ادامه داشته است (Foss, 1997: 258-261; Walmsley, 2000: 268). همچنین به نظر می‌رسد تخریب‌های انجام‌شده در کلیسای حواریون در مدابا و کلیسای حسان (اردن امروزی) را که باستان‌شناسان قبلاً آنها را به حمله ساسانیان در دوره خسرو پرویز نسبت داده بودند، مرتبط به زلزله سال ۶۳۳م است (Scick, 1995: 23-24). همچنین نقوش کلیساهایی که در جنوب سوریه بین سال‌های ۶۲۸-۶۱۴م حک شده‌اند نشان می‌دهند که ساختمان‌سازی، بازسازی و تزئین کلیساها در این دوره از حاکمیت ساسانیان، بدون وقفه ادامه یافته است (Reynolds, 2013: 117; Foss, 2003: 159). در سما، در حدود ۲۰ کیلومتری غرب بصری، یکی از بناهای کلیسای سنت جورج، دارای کتیبه‌ای به تاریخ ۶۲۴م است (Foss, 1997: 252). در رحاب، واقع در ۴۰ کیلومتری جنوب غربی بصری و تاریخ موزاییک کلیساها نشان می‌دهد که کلیسای استفانوس، در ماه مه ۶۲۰م و کلیسای پطرس صغیر در ژوئیه / اوت ۶۲۳م بازسازی شده‌اند (Walmsley, 2000: 268; Trombley, 1997: 200). خربه السمرا در شمال عمان و در ام‌الجمال، ساختمان کلیساها و موزاییک‌های شگفت‌انگیزی را نشان می‌دهند که بین سال‌های ۶۳۵-۵۳۳م ساخته شده و فعال بوده‌اند (Liebeschuetz, 2015: 269; Kennedy, 1987: 251). همچنین در ناحیه ناهیت (کوه حوران) در آستانه کلیسا ساختمانی با تاریخ ۳ نوامبر ۶۲۳م و در سارنا (دشت حوران) ساختمانی به تاریخ ۶۲۵-۶۲۴م وجود دارد (Trombley, 1997: 200).

به‌طور خلاصه، کلیساهای جنوب سوریه و استپ‌های اردن که در بالا آمد، نشان می‌دهند که در این سال‌ها، فعالیت‌های کلیسایی در جریان بوده است و جامعه مسیحیان از آزادی و منابع لازم برای بازسازی و تزئین کلیساها در زمان حضور ساسانیان برخوردار بوده‌اند؛ بنابراین، نسبت‌دادن ویرانی‌ها و خرابی‌ها به اشغال و حضور ساسانیان در این دوران (۶۲۸-۶۱۳م) نمی‌تواند بیانگر همه واقعات باشد.

اوضاع سیاسی و سازمان اداری سوریه در زمان خسرو پرویز

ساسانیان هر جایی را که تصرف می‌کردند، برای خود نگاه می‌داشتند و سیستم‌های اداری محلی را حفظ می‌کردند. شواهد نشان می‌دهد که آنها همین سیاست را در سوریه در دوره خسرو پرویز با کمترین تغییرات اعمال کردند تا قدرت و نفوذ خود را در این سرزمین استوار

کنند (Howard-Johnston, 2010: 444; Haldon, 1990: 43).

گیزلن اشاره می‌کند که مرز خوروران، ربع غربی شاهنشاهی ایران تا تمام نواحی آن سوی نصیبین ادامه داشت (Gyselen, 1989: 56,78-79 and Gyselen, 2002: 134-136, 183-184). به نظر می‌رسد ساسانیان پس از فتح سوریه در زمان خسرو پرویز آن را از نظر اداری، امتداد ربع غربی کشور خوروران (xwarwarān) به شمار می‌آوردند که یکی از واحدهای چهارگانه اداری آن زمان محسوب می‌شد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲۱۹/۱-۲۱۸؛ فردوسی، ۱۳۹۱: ۱۸۳۴-۱۸۳۵؛ مارکوارت، ۱۳۷۳: ۴۵-۴۳؛ Gyselen, 2001: 35-451).

ابن‌رسته فهرستی از مراکز و پایتخت‌های اداری ساسانیان، در ربع غرب در قرن هفتم میلادی ارائه می‌دهد که هم‌زمان به دوره خسرو پرویز است. به گفته ابن‌رسته، به این تقسیمات کور (Kuwar) نیز گفته می‌شد و شامل الرها، حلب، قنسرین، انطاکیه، شیزار، حماه، حمص، اپامیه، بعلبک، دمشق، طبریه، الرمله و ایلیا بود. این فهرست تأیید می‌کند که سوریه، پس از اشغال در دوره خسرو پرویز، به ربع غربی شاهنشاهی ساسانی ضمیمه شد و به چندین استان تقسیم شده بود که هر کدام از آنها یک مرکز اداری داشت که مقرر حکومت ساسانی محسوب می‌شد. همچنین، تقسیمات فرعی استان‌های سوریه که در فهرست ابن‌رسته آمده، نشان می‌دهد که سازمان اداری سوریه نیز از سنت و قوانین ساسانی نشئت و الهام گرفته بود (ابن‌رسته، ۱۹۸۴: ۱۰۷-۱۰۳؛ مقدسی، ۱۹۹۱: ۱۷۹-۱۵۱).

افسران ساسانی علاوه بر انجام عملیات نظامی علیه بیزانس، همچنین مسئولیت مدیریت‌های اصلی در این بخش از شاهنشاهی خوروران را نیز بر عهده داشتند. شهربراز، فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده کل (سپهد) ربع غرب بود که در این زمان شامل سوریه نیز می‌شد (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۷۲؛ نه‌ایه الارب، ۱۳۷۵: ۴۲۴). در حالی که معاون وی، شاهین، پادگوسپان (Pādhgōspān) غرب بود و او مدیریت این سرزمین مرزی را تحت نظارت شاهنشاه اداره می‌کرد (طبری، ۱۳۶۲: ۲ / ۷۳۵). با توجه به اینکه هر دو آنها اکثر اوقات خود را در جنگ‌های نظامی می‌گذراندند، پس احتمالاً آنها هر کدام یک مرکز فرماندهی و اداری ثابت داشتند. فهرست فارسی میانه مراکز استان‌های شاهنشاهی، شهرستان ایران‌شهر، شامل شهر اورها (ادسا) از شهرهایی است که در سوریه در ربع غرب دولت در ابتدای قرن هفتم برپا شده‌اند (دریایی، ۱۳۸۸: ۷۵ و ۶۹ و ۴۰-۳۹). اگرچه تاریخ انطاکیه در این دوران مبهم است، ظاهراً این شهر مقر اصلی شهربراز بوده، این امر را می‌توان از گزارش مختصری که در تاریخ مسعودی ذکر شده نتیجه گرفت. او یاد می‌کند پس از اینکه اردشیر بر تخت سلطنت نشست، شهربراز سپهد غرب از انطاکیه شام به سوی وی تاخت و او را به قتل رساند (مسعودی، ۱۳۸۲:

گزارش آگابیوس به وجود پادگان‌های نظامی ارتش ساسانی در دوره خسرو پرویز در مراکز استان‌های سوریه اشاره می‌کند که سپاه ساسانی در قیصریه متمرکز بود (۱۹۰۷: ۳۳۱). همچنین گزارش مورخان نشان می‌دهند اداره امور استان‌های مرزی بر عهده مرزبانان ایرانی بود، اما آنان در زمان جنگ موظف بودند تحت فرماندهی اسپهبد عمل کنند (Gyselen, 2009: 299-305; Gyselen, 2002: 106-110; Howard-Johnston, 2012: 118; Farrokh, 2005: 9; Morony, 1984: 28). به گفته میخائیل سریانی و آگابیوس، هنگامی که خسرو خواست تا ساکنان ادسا را تبعید کند، از مرزبان جزیره خواست که این کار را انجام دهد (میخائیل سریانی، ۱۹۹۶: ۲/۳۰۵؛ آگابیوس، ۱۹۰۷: ۳۳۶).

از طرفی خاطرات روزانه آناستاسیوس پاریسی جوانب سیستم اداری ساسانی در سوریه را بیشتر روشن می‌کند. در این خاطرات آمده است: «برخی از سوارکاران ساسانی که جلوی قصر حاکم، در قیصریه، نشسته بودند به گمان اینکه آناستاسیوس جاسوس است، او را دستگیر کردند و وقتی او به آنها گفت که سپاه ایرانی را ترک کرده است، وی را بازداشت کردند تا فرمانده سلاریو (Sellario) رسید و او را بازجویی کرد و در بند کشید. پس از سه روز، مرزبان قیصریه که ظاهراً آنجا محل اصلی اقامت او بود، بازگشت، آناستاسیوس را بازجویی کرد و فهمید که او یک زرتشتی بوده و به مسیحیت گرویده و می‌بایست تحت تعقیب قضایی قرار گیرد. در ابتدا مرزبان، اسب‌ها و سکه‌ها را به او تقدیم کرد تا به دین زرتشتی بازگردد، اما او سرپیچی کرد. لذا او را زنجیر بسته و به قلعه برده شد. مرزبان، میزوتروس را برای ارتباط با آناستاسیوس فرستاد تا او را متقاعد کند که از مسیحیت دست بردارد، اما او از این پیشنهاد سر باز زد. سرانجام مرزبان به شاهنشاه نامه نوشت و پس از چند روز پاسخ داد. آناستاسیوس بار دیگر احضار شد و به او اختیار داده شد تا در نزد مرزبان و دو افسر سلاریو از مسیحیت دست بردارد. هنگامی که او امتناع کرد، قرار شد بنا به دستور شاهنشاهی به ایران تبعید شود. مدت پنج روز برای انتظار سفر به ایران، به زندان کل فرستاده شد تا کاروان زندانیان برای انتقال به ایران آماده شوند. او در سلولش با دو راهب از صومعه‌ای خود در بیت‌المقدس ملاقات کرد... . در این مرحله، یک مقام برجسته مسیحی توانست اجازه مرزبان را بگیرد تا آناسیوس را برای جشن به کلیسا ببرد... . پس از گذشت پنج روز، وی را به ایران تبعید کردند.» (The Latin Dossier of Anastasius the Persian, 2004: 17-31, 34-40)

این روایت از مهم‌ترین توصیفاتی است که تصویر روشنی از حضور ساسانیان در سوریه در دوره خسرو پرویز و عملکرد کارگزاران ساسانی ارائه می‌دهد که بسیار مهم است؛ زیرا در آن به یک دولت سازمان‌یافته اشاره می‌کند که رابطه عادی خود را با مردم مناطق مختلف حفظ

می کرده است. همچنین به حضور مرزبان، پادگان‌های نظامی، افسران نظامی، کلانتری‌ها و سیستم آذوقه ارتش، اشاره دارد. همچنین، مرزبان دارای قصر بود و افسرانی به نام سلاریو تحت فرمان مرزبان قرار داشتند (Sänger, 2011: 661-662). مرزبان به راحتی با دولت مرکزی در ارتباط بود و نامه‌ها نیز به سرعت رد و بدل می‌شدند. دستورات سلطنتی صادر شده از مرکز به مرزبان استان فرستاده و پیگیری می‌شدند. به علاوه، این خاطرات دلالت بر وجود حاکمیت قانون و سیستم روان و مشخص در سوریه در این زمان دارد (The Latin Dossier of Anastasius the Persian, 2004: 17-31, 34-40).

نقش اشراف در مدیریت شهری سوریه در زمان پادشاهی خسرو پرویز

ساسانیان پس از سلطه بر سوریه در زمان خسرو پرویز، سیستم‌ها و نهادهای اداری محلی سوریه را در جای خود باقی گذاشتند و اغلب از همان مقامات پیشین رومی استفاده کردند (Howard-Johnston, 2010: 440). همچنین از اشراف محلی و حتی در مواردی از همان مدیران سابق برای جمع‌آوری مالیات و مدیریت مالی استفاده کردند (Potter, 2015: 42). به گفته میخائیل سریانی و آگاپیوس، ایرانیان، قورا (Qura) را که از اعیان بلندمرتبه شهر ادسا بود، مسئول اداره جمع‌آوری مالیات کردند. قورا که لقب و عنوان آرخون (Archon) داشت در اواخر فرمانروایی ساسانیان، توانست ۱۲۰ هزار پوند نقره برای خسرو بفرستد (میخائیل سریانی، ۱۹۹۶: ۲۹۲/۲-۲۹۱). چنین نقش مشابهی نیز، در شهر دمشق مشاهده می‌شود. خانواده منصوربن سرجیوس دمشق، وظیفه مدیریت مالی را در دوره‌های بیزانس، ساسانی و اسلامی بر عهده گرفت (سعیدبن بطریق، ۱۹۰۵: ۲/۵؛ Shboul, and Walmsley, 1998: 257). پیش از فتح سوریه به دست خسرو پرویز، موریس (۶۰۲-۵۸۲م) امپراتور بیزانس سرجیوس را به عنوان مأمور مالیات‌های شهر دمشق گماشت و به نظر می‌رسد که پسرش منصور نیز در دوران ساسانی همین مقام را داشته است (Kennedy, 2010: 187; Liebeschuetz, 2015: 279). ابن بطریق گزارش می‌کند، در پی شکست سپاهیان خسرو پرویز و هنگام ورود هراکلیوس به دمشق، او تمام مالیاتی را که در زمان اشغال ایران به کنستانتین نوپل پرداخت نشده بود، درخواست کرد و منصور پاسخ داد که آنها را به خسرو پرداخت کرده‌اند؛ از این رو، امپراتور، منصور را دستگیر کرد و او را مورد ضرب و شتم قرار داد تا سرانجام صد هزار سکه طلا از وی گرفت و سپس او را به موقعیت قبلی خود بازگرداند (سعیدبن بطریق، ۱۹۰۵: ۲/۵).

روایات تاریخی نشان می‌دهد که خاندان‌های تل ماهوریو، کماس بن عربی و خانواده نولار، در زمان حاکمیت ساسانیان بر سوریه در دوره خسرو پرویز، نفوذ و قدرت خود را حفظ کردند و هنگامی که هراکلیوس شهر را بازپس گرفت، اسقف منوفیزی را به همراه خانواده‌های

مهم از این شهر اخراج کرد؛ زیرا هراکلیوس تصور می‌کرد که آنها، حکومت ساسانیان را بر امپراتور ارتدکس ترجیح خواهند داد (میخائیل سریانی، ۱۹۹۶: ۲ / ۳۰۱؛ Liebeschuetz, 2015: 278-279). همچنین، به نظر می‌رسد، خانواده روسایوف، یکی از خانواده‌های اشرافی سوریه که در دوران حاکمیت رومی‌ها مالکیت زمین را با قدرت دولتی در ادسا ترکیب کرده، مسئولیت‌های خود را در دوران حکومت ساسانیان همچنان ادامه داد (میخائیل سریانی، ۱۹۹۶: ۲ / ۳۰۵ و ۲۶۱).

اسناد تاریخی نشان می‌دهند که حضور خاندان‌ها و اشراف محلی در مناطق و شهرهای دیگر سوریه مانند بعلبک و حمص در دوره خسرو پرویز همچنان ادامه داشته است (Shboul, and Walmsley, 1998: 257). بنابر گفته بلاذری، پالس و قاصرین، دو برادر از اشراف روم بودند که قریه‌های اطراف خود را به اقطاع گرفته و نگهداری شهرهای رومی شام را که بین آن دو برادر تقسیم شده بود، بر عهده داشتند (بلاذری، ۱۳۷۷: ۱۰۴-۱۰۳). این گزارش مختصر نشان می‌دهد که بسیاری از شهرها و املاک این مناطق مهم، متعلق به اشرافی بود که در همان حال مسئولیت مدیریت آن نواحی را به عهده داشتند و این اشراف حتی تا اوایل فتوحات اسلامی همچنان وظایف نیمه‌دولتی را انجام می‌دادند؛ لذا کیندی از آن نتیجه می‌گیرد که این اعیان شغل و نفوذ خود را در زمان فرمانروایی ساسانیان نیز از دست نداده بودند (Kennedy, 2010: 185-187).

کاوش‌های باستان‌شناسی، شواهد بیشتری از ادامه نفوذ اشراف شهری و دینی محلی در زمان حکومت ساسانیان ارائه می‌دهد. این شواهد، عبارت‌اند از نقوش و عباراتی کوتاه که بر روی مقبره‌ها و دیوارهای کلیساها بین سال‌های ۶۳۰-۶۱۴ م حک شده‌اند. در کلیساهای Bakkhos و Sergius در نيسانا در نقب فلسطین کتیبه‌هایی با نام بطریق و خواهرش به تاریخ ۶۲۸ و ۶۳۰ م یافت شده‌اند که نشان می‌دهند خانواده‌های سنتی روستاها، نقش اصلی و مهمی در اداره کلیساها داشته‌اند و مقام و نفوذ خود را همچنان در دوران پادشاهی خسرو پرویز حفظ کرده‌اند (Kraemer, 1958: 132-175; Scick, 1995: 43). وجود کتیبه‌هایی مربوط به راهبان یا آنچه به نام (hegoumenoi) معروف است در کلیسای قدیس جورج در شیفتا (Shivta) به تاریخ ۶۱۸ م نقش برجسته‌های هاگیوس استفانوس (Hagios Stephanos) در تاریخ ۶۲۰ م و هاگیوس پتروس (Hagios Petros) در تاریخ ۶۲۳ م که نام اسقف ارتدکسی بصری، پولیوکتوس (Polyeuktos) و نام بخشندگان آنان نیز دارد، همگی شواهدی بر تداوم وجود خانواده‌های دینی، رهبانی و اعیان بلندمرتبه در دوران حاکمیت ساسانیان در سوریه در دوره خسرو پرویز است (see: Meimaris, 1992: 471; Trombley, 1997: 200; Foss, 1997: 252-253).

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۱ / ۴۱

این شواهد برخلاف گزارش‌های تاریخی و پژوهش‌های سال‌های اخیر که معتقدند حاکمیت ساسانیان ساختارهای اجتماعی و اداری موجود میان جوامع کلیسایی و نظام اسقف‌های محلی مسیحی را تخریب کرده است، نشان می‌دهد که در دوره ساسانیان دودمان‌های محلی همچنان به ساخت کلیساها و تأمین مخارج آنها می‌پرداختند (Colt, 1962: 141-172; Foss, 1997: 253). رینولدس تأکید می‌کند که برخی مناصب و مشاغل بین سال‌های ۶۴۰-۶۰۰م به صورت ارثی به رؤسای دودمان‌های دینی محلی می‌رسیده است، مثالی که در این زمینه وجود دارد، کلیسای استفانوس در رحاب است که در آن کتیبه‌ای به سال ۶۲۰م وجود دارد و نشان می‌دهد استراتانوس (Stratonos) جانشین پدرش جورج (George) شد (Reynolds, 2013: 126). در واقع، این نقوش، بر نقش بطریق‌ها و راهبان به‌عنوان چهره‌های مسئول سازماندهی مجدد جوامع شهری پس از اشغال ساسانیان تأکید می‌کنند، شیوه‌ای که از چندین دهه قبل از اشغال ساسانیان در این سرزمین وجود داشت و در دوره ساسانیان نیز ادامه یافت

(سعیدبن بطریق، ۱۹۰۵: ۲/۵؛ Cameron, 2012: 6221; Theophanes the Confessor, 1982: 160)؛ به دیگر سخن، ساسانیان، نهادهای مالی، اشراف محلی و سیستم اداری محلی را همان‌گونه که بود، باقی گذاشتند.

ساختار اجتماعی و فعالیت‌های دینی در سوریه در زمان پادشاهی خسرو پرویز

در قرن ششم و آغاز قرن هفتم میلادی، به‌ویژه در دوران حکومت فوکاس، یهودیان و پیروان آیین مونوفیزیسیسم که اکثریت مردم سوریه را تشکیل می‌دادند، به شدت در معرض آزار و تعقیب خلکدونی‌ها قرار گرفتند (Crown, 1986: 122; Frye, 2008: 158, 167; Theophanes the Confessor, 1997: 296-297). به همین دلیل در پی حضور ساسانیان در سوریه، آنها به حمایت یا همکاری با ساسانیان پرداختند (Lee, 2000: 168). آنان به شهربراز برای تصرف انطاکیه ۶۱۱م قیصریه ۶۱۲م و بیت‌المقدس ۶۱۴م کمک کردند؛ از این رو، در آغاز حاکمیت ساسانیان، آنها یهودیان را بر مسیحیان ترجیح می‌دادند و برخی مسئولیت‌های اجتماعی و اداری را در اریحا و بیت‌المقدس به آنها سپردند (پیگولفسکایا، ۱۳۹۴: ۱۱۴-۱۰۰؛ داهیم، ۱۳۸۳: ۳۵۹). ولی طول نکشید تا اینکه یهودیان، همه اختیارات خود را از دست دادند و اوضاع به نفع مسیحیان تغییر کرد (دریایی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). ظاهراً زیاده‌روی یهودیان در آزار مسیحیان، موجب خشم خسرو پرویز به آنان شد (زرین‌کوب و قهرمانی، ۱۳۹۷: ۷۴؛ *التاریخ الصغیر*، ۲۰۱۰: ۴۱). همچنین، ساسانیان به‌خوبی می‌دانستند که تعقیب و آزار مسیحیان سوریه موجب نارضایتی و

طغیان هم‌کیشان آنان در ایران خواهد شد که در آن زمان از آن بیم داشتند (Booth, 2014: 95). افزون بر آن، خسرو پرویز اطلاع یافته بود که مسیحیان، جمعیت اصلی منطقه را تشکیل می‌دهند و نباید آنها را آزار و شکنجه داد؛ بنابراین دستور داد که بیت‌المقدس را از نو بازسازی کردند و مودستوس (۶۳۱-۶۱۴م) را به کشیشی شهر برگماشتند (میخائیل سریانی، ۱۹۹۶: ۲/۲۹۳؛ سبتوس، ۱۳۹۶: ۱۶۷ و ۳۴).

همچنین، ساسانیان به مودستوس اجازه دادند که بیت‌المقدس را بازسازی کند و مقدار معتناهی پول فرستادند. مودستوس کلیسای رستاخیز و دیگر صومعه‌ها را بازسازی کرد و آنها را به صورت زیبایی اصلی‌شان درآورد (۱۹۰۵: ۲۱۸/۱-۲۱۷). سبتوس گزارش می‌کند که سفر مسیحیان به سرزمین مقدس به سرعت از سر گرفته شد و عده‌ای از زائران ارمنی در سال ۶۱۶ م وارد سرزمین مقدس شدند. مودستوس، همراه با این زائران، نامه‌ای به کومیتاس، مطران ارمنستان فرستاد و از وی خواست تا در بازسازی کلیساها به وی کمک مالی کند. در هر صورت، این نامه‌ها نشان می‌دهند که ارتباط میان مناطق مختلف و سفر به مناطقی که تحت سلطه ایرانیان تا سرزمین سینا، همچنان برقرار بود (سبتوس، ۱۳۹۶: ۱۷۶ و ۱۷۳-۱۶۷ و ۳۶-۳۴). در شمال سوریه، راهبان در منبج، حمص، پالمیرا، قنسرین و ساموساتا بیشتر منوفیزیت‌ها بودند. در ابتدا، ساسانیان تلاش کردند تا اسقف نسطوری از سرزمین‌های خود را بر ادسا تحمیل کنند، اما هنگامی که با مخالفت مردم مواجه شدند، به منوفیزیت‌ها اجازه داده شد اسقف یعقوبی را انتخاب کنند تا رضایت مردم محلی را جلب کنند (میخائیل سریانی، ۱۹۹۶: ۲/۳۰۲-۳۰۱). به‌رغم اینکه در انطاکیه اغلب خلکدونی‌ها مقامات دینی را در اختیار داشتند، بطریق منوفیزیتی، آثناسیوس، آشکارا به مقام بطریق مسیحیان منصوب شد. آثناسیوس همراه پنج اسقف دیگر به مصر مسافرت کرد و اتحاد دینی بین کلیساها برقرار شد (میخائیل سریانی، ۱۹۹۶: ۲/۲۸۴-۲۷۱). فوسس از این متن نتیجه می‌گیرد که می‌توان یقین کرد که در این زمان، کلیساها فعال بود و اسقف‌ها به دلیل امنیت و آزادی که داشتند از مسافت‌های دور در ارتباط و رفت و آمد بودند (Foss, 2003: 157). با این حال، شواهد نشان می‌دهد که ساسانیان حتی به خلکدونیان اجازه دادند تا نفوذ و اقتدار خود را در مکان‌هایی مانند بیت‌المقدس و بصری که در آن تعدادشان بیشتر بود، بود همچنان حفظ کنند (Foss, 1997: 238; Trombley, 1997: 200).

از طرف دیگر، ایرانیان، حکومت غیرمستقیم بر مناطقی که فتح کرده بودند ترجیح دادند؛ زیرا تعداد نیروهای ساسانی برای کنترل و حکومت بر سوریه، مصر و آناتولی بسیار اندک بود (Frye, 2008: 174). همچنین، حاکمیت مستقیم می‌توانست سبب درگیری‌های مذهبی شود که

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۲، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۱ / ۴۳

ممکن بود به ایران نیز کشیده شود. جوهستون می گوید، رفتار شهربراز در هنگام حمله به فلسطین این را نشان می دهد. هنگامی که شهربراز در فلسطین پیشروی کرد، مقرر فرماندهی خود را در قیصریه تأسیس کرد و پس از انقیاد اورشلیم، با توجه به خطراتی که ممکن بود حاکمیت مستقیم شهر مقدس داشته باشد، به دلیل حضور گروه های قدرتمند یهودی و مسیحی در بین النهرین که هر یک از آنها آماده پاسخ گویی به هرگونه تعصب به برادران دینی خود بودند؛ شهربراز ترجیح داد تا شهر را از راه دور اداره کند و تنها با بطریق آن منطقه هماهنگ کرد تا یک کمیته نظارتی کوچک را بپذیرد؛ (Howard-Johnston, 2017: 9).

علاوه بر این، در آغاز نظم نوین جهانی، به نفع ایرانیان بود تا تغییر در وضع موجود را به حداقل برسانند و از دشمنی با رعایای جدید خود اجتناب کنند؛ بنابراین ساختارهای مالی و اداری و دینی را آن طور که به دست آوردند، بدون تغییر حفظ کردند (Howard-Johnston, 2010: 441-445)

در هر حال، شواهد بالا نشان می دهد که در زمان حضور ساسانیان در سوریه در زمان خسرو پرویز و بر خلاف ادعاهای مطرح شده علاوه بر ایجادنشدن تغییرات عمده در سیستم مالی و اداری، یهودیان، مسیحیان، خصوصاً پیروان آیین مونوفیزیتسم و تا حدودی خلکدونیان آزادی های زیادی داشتند و کلیساها اکثریت فعال بودند و رفت و آمدهای مبلغان مسیحی در سرزمین های تحت سلطه ایرانیان برقرار بود (زرین کوب و قهرمانی، ۱۳۹۷: ۷۶-۷۷؛ میخائیل سریانی، ۱۹۹۶: ۲۷۰-۲۷۱؛ The Howard-Johnston, 2010: 444; Foss, 2003: 159, 169; Latin Dossier of Anastasius the Persian, 2004: 8-10, 16, 32, 34).

نظام اقتصادی سوریه در دوران حاکمیت ساسانیان

کشفیات باستان شناسی اخیر در سوریه نشان می دهد که تأثیر مادی حملات ایرانیان در سوریه بسیار محدود بوده است و نهادهای اقتصادی به زودی فعالیت خود را از سر گرفتند (Cameron, 198: 2012). تداوم ساخت و ساز و بازسازی کلیساها و صومعه ها همگی نشان دهنده رونق و ثبات اقتصادی و اجتماعی در این دوران است (Trombley, 1997: 200). زندگی نامه آناستاسیوس، نشان دهنده وجود تجارت فعال در مواد و فلزات گرانبها است. حضور تجار در این زندگی نامه، نشان دهنده میزان شایان توجهی از تداوم نهادها و ثبات اقتصادی است. از قرن ششم این افراد، چهره های برجسته ای در بندرها و شهرهای مرزی بوده اند، جایی که تجارت ابریشم درآمد بالایی داشت. از آنجایی که سوریه در این زمان بخشی از یک امپراتوری وسیعی بود که تا آسیای مرکزی و در مسیر جاده ابریشم قرار داشت، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار

بود (The Latin Dossier of Anastasius the Persian, 2004: 8, 10, 29-30: 32, 39).

بنابر گفته ابن سعد، عثمان و طلحه بن عبیدالله برای تجارت به سوریه می‌رفتند (۲۰۰۱: ۱۳۶/۱-۱۳۵). همچنین، بر اساس روایات اسلامی، مسلمانان هنگامی که از آمدن کاروانی غنی از سوریه به شبه جزیره عرب آگاه شدند بین آنها و قریش در بدر در سال ۲ ق / مارس ۶۲۴ م جنگ در گرفت (ابن هشام، ۱۹۹۰: ۲/ ۲۴۹؛ ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱/ ۴۰۳-۴۰۲). به گفته واقدی، در ماه رمضان ۶ ق/ فوریه ۶۲۸ م زید بن حارثه از مدینه به تجارت سوی سوریه می‌رفت که در بین راه عرب‌های دیگر به او حمله کردند (۱۹۸۴: ۲/ ۵۶۴). طبری، گزارش می‌کند که گروهی از قرشیان به تجارت سوی شام رفتند و محل تجارت آنها غزه بود و هنگامی آنجا رسیدند هراکلیوس در بهار ۶۳۰ م بر ایرانیان غلبه یافته بود و آنها توانستند با او ملاقات کنند (۱۳۶۳: ۳/ ۱۱۳۵-۱۱۳۳). به نظر می‌رسد، برخی از مراکز مهم شهری در جنوب سوریه، مانند بصری و جرش، به دلیل تجارت با حجاز، به ویژه مکه و قریش رونق گرفتند (Kennedy, 1987: 250)؛ از این رو، اختلالات بازرگانی ناشی از حمله ساسانیان کوتاه مدت بوده است و به سرعت تجارت در سرزمین‌های تحت کنترل ساسانیان از سر گرفته شد و کاروان‌های تجاری با کالاهای خود بین سوریه و شبه جزیره در حرکت بودند.

همچنین گزارش‌های مورخان نشان می‌دهد که ساسانیان، سیستم مالیاتی روم را حفظ کردند. فردوسی (۱۳۹۱: ۱۸۶۲) نشان می‌دهد که شاهان شرق و غرب، خسرو پرویز را اطاعت کردند و مالیات را برای او می‌فرستادند. تئوفلیس از ادسا اظهار می‌کند که مردم دمشق اطاعت خود را به ساسانیان اعلام کردند و مالیات را به تیسفون پرداختند (Theophilus of Edessa, 2011: 64). به نظر می‌رسد، جنگ‌های فرسایشی باعث شد که خسرو مالیات زیادتری به مردم سوریه تحمیل کند تا هزینه جنگ طولانی مدت با روم را جبران کند.

سوریه، هنگام ورود ایرانیان دارای سیستم پولی بسیار گسترده و شکوفا بود. سکه برای مصارف جنگی و به خدمت گرفتن سربازان، پرداخت مالیات و انجام تجارت زده می‌شد (Pottier, 2015: 19; Haldon, 2010: 7). پس از حاکمیت ساسانیان بر سوریه ضمن تداوم استفاده از سکه‌های طلای بیزانس، سکه‌ای به نام میلاریسیا ضرب می‌شد که از نقره بود و سکه‌های نقره ستون اصلی سکه ساسانی در سوریه را تشکیل می‌داد (الجوابره، ۲۰۱۶: ۱۳۳-۱۱۶؛ Heidemann, 1998: 99). به علاوه در سوریه تحت حکومت ساسانی سکه‌های برنزی زده می‌شد (Pottier, 2010: 447-465). کاوش‌های انجام شده در تل بیس Tell Bisā نزدیک امسا و اپامیه نشان می‌دهد که در بین سال‌های ۶۱۰-۶۳۰ م در آنجا سکه‌ها ضرب شده است. وجود سکه‌های نقره و برنزی ساسانی در کنار سکه‌های طلا و مس بیزانسی، بیانگر زندگی اقتصادی پویا و تداوم اقتصاد سوریه در دوره ساسانی است (الجوابره، ۲۰۱۶: ۱۷۱-۱۱۶).

نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر که مبتنی بر مجموعه‌ای منظم از گزارش‌های باستان‌شناسی و بعضی گزارش‌های تاریخی است نشان می‌دهد که برخلاف نظر رایج که از تخریب گسترده و هرج و مرج در سوریه در زمان حاکمیت ساسانیان در دوره خسرو پرویز سخن می‌گویند، ساختار سیاسی و اداری منسجم، زندگی اجتماعی، فعالیت‌های کلیسایی و تبلیغات دینی، رونق اقتصادی و تجارت به‌جز در مراحل اولیه جنگ در دوران حکومت ساسانیان در سوریه ادامه پیدا کرد. ساسانیان در این منطقه، علاقه خود را به مسیحیت نشان دادند و با حمایت از پیروان منوفیزیت‌ها که دین اکثریت مردم این منطقه را تشکیل می‌داد، توانستند حمایت آنها را به‌سوی خود جلب کنند. بطریق منوفیزیتی، کنترل انطاکیه را به‌دست آورد. کلیساها در بیت‌المقدس و جنوب سوریه، بازسازی شدند و زیارت مسیحیان تا کوه سینا ادامه یافت. با وجود ترس خلکدونی‌ها، ایرانیان به آنها اجازه دادند تا نفوذ خود را در بیت‌المقدس و بصری جایی که اکثریت آنها خلقدونی بودند، حفظ کنند. ارتباطات بین استان‌ها و پایتخت سازماندهی شد. یک روحانی مانند مودستوس می‌توانست سفرهای زیادی انجام دهد و مکاتبات خود را با ارمنستان دنبال کند. جالب‌ترین آن، آزادی سفر میان سرزمین‌های فتح‌شده و مناطق رومی بود. حکومت ساسانی منجر به فروپاشی ساختارهای اداری و خلأ قدرت در این مناطق نشد. آنها برخی نوآوری‌های اداری را متناسب با سنت‌های خودشان ایجاد کردند. ساسانیان، سازمان‌آراء نظامی را زیر نظر داشتند و بر اساس یک نظام سنتی که در آن مقامات عالی‌رتبه با مرزبان‌ها و نیروهای پادگان‌ها بر طبق یک سلسله مراتب سنتی در استان‌های مختلف سوریه قرار داشتند، حکومت می‌کردند. درباره مدیریت مدنی و مالی، ساسانیان، به‌شدت بر مقامات محلی موجود تکیه می‌کردند. آنها مانند رومیان، اشراف شهری و مذهبی محلی را در نظام اداری و به‌ویژه مالی مانند دمشق و ادسا یا در روستاهایی مانند نیسانا، رحاب و شفتا در موقعیت‌های خود باقی گذاشتند؛ بنابراین، خانواده‌های محلی نفوذ خود را حفظ کردند و کلیساها نیز به‌عنوان یک نهاد سیاسی، اداری، شهری و مذهبی در بافت محلی، نقش خود را در این مناطق ایفا می‌کردند. فعالیت اقتصادی سوریه تحت فرمانروایی ساسانیان دوام آورد، تجارت بین شبه‌جزیره و سوریه صورت می‌گرفت و شهرها ثروتمند و قادر به پرداخت مالیات بود. ایرانیان، بدون تغییر زیاد، از این سرزمین، مالیات جمع‌آوری می‌کردند. توانایی بخشندگان در بازسازی کلیساها و صومعه‌ها نیز، نشان‌دهنده ثبات اجتماعی و رونق اقتصادی در این دوران است. سکه‌های برنزی که در سوریه در آن دوران ضرب شده در کنار سکه‌های بیزانسی که در آن مرحله زمانی متداول بود، نشانه تداوم فعالیت اقتصادی نیز هست.

منابع و مأخذ

- ابن بطریق، سعید (۱۹۰۵) *التاریخ المجموع علی التحقیق و التصدیق*، الكتاب الاول و الثاني، طبع فی بیروت فی مطبعة الآباء السوعیین.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۸۳) *العبر تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، جلد ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن رسته، ابی علی احمد بن عمر (۱۸۹۴) *الاعلاق النفسیه*، المجلد السابع، طبع فی مدینه لیدن بمطبعة بریا.
- ابن سعد، محمد (۲۰۰۱) *الطبقات الکبیره*، تحقیق محمد علی عمر، الجزء الاول، القاہرہ: مکتبه الخانجی.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن هشام بن ایوب الحمیری (۱۹۹۰) *السیره النبویه*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، الجزء الثاني، بیروت: دارالکتاب العربی.
- اغابوس بن قسطنطین المنبجی (۱۹۰۷) *العنوان المکمل بفضائل الحکمه المتوج بانواع الفلسفه الممدوح بحقائق المعرفه*، طبع فی بیروت فی مطبعة الآباء السوعیین.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۷۷) *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل، تهران: نقره.
- پیگولفسکایا، نینا (۱۳۹۴) *ایران و بیزانس در سده های ششم و هفتم میلادی*، ترجمه کامبیز میربهاء، تهران: ققنوس
- التاریخ الصغیر القرن السابع للمیلاد* (۲۰۱۰) نویسنده ناشناس، ترجمه اب د. بطرس حداد، بیروت: دار مکتبه البصائر.
- الجوابره، وفاء سلیم (۲۰۱۶) *التغییرات التقدیه فی سوریه خلال الفتره الممتده ما بین منتصف القرن السادس حتی منتصف القرن الثامن (۷۵۰م-۵۵۰م) دراسه اثریه*، منشورات جامعه دمشق.
- داهیم، بهرام (۱۳۸۳) *خسرو پرویز و جنگ های بیست و هفت ساله ایران و روم*، تهران: راستی نو.
- دریایی، تورج (۱۳۸۸) *شهرستان های ایران شهر نوشته ای به زبان فارسی میانه درباره تاریخ، حماسه و جغرافیای باستانی ایران*، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس.
- _____ (۱۳۹۲) *ساسانیان*، ترجمه شهرناز اعتمادی، تهران: توس.
- رویدادنامه خوزستان* (۱۳۹۵) ترجمه و تعلیقات خداداد رضاخانی و سجاد امیری باوندپور، تهران: حکمت سینا.
- زرین کوب، روزبه؛ قهرمانی، جمشید (۱۳۹۷) «وضعیت و نقش سیاسی یهودیان در روزگار خسرو پرویز»، *ادیان و عرفان*، سال ۵۱، شماره ۱، صص ۸۷-۶۵.
- سبتوس، اسقف باگراتونیک (۱۳۹۶) *تاریخ سبتوس*، بر پایه ترجمه آر. دلیو. تامسون و مقابله با نسخه رابرت پتروسیان، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران: ققنوس.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲) *تاریخ طبری؛ تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۳، تهران: اساطیر.
- _____ (۱۳۶۳) *تاریخ طبری؛ تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۲، تهران: اساطیر.

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)، سال ۳۲، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۱ / ۴۷

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۱) شاهنامه، گردآورنده: حسین پژمان پور، تکبوک.
مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳) / ایران شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران:
اطلاعات.

مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۸۲) مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۱، تهران:
علمی و فرهنگی.

المقدسی البشاری، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۹۹۱) / احسن التقاسیم فی معرفه الأقالیم،
القاهره: مکتبه مدبولی.

میخائیل سریانی (۱۹۹۶) تاریخ مار میخائیل السریانی الكبير، عربیه عن السریانیه مارگریغوریوس صلیبا
شمعون، أعده و قدم له مارگریغوریوس یوحنا ابراهیم، الجزء الثاني، دمشق: مطبعة الف باء-
الادیب.

نهایه الارب فی اخبار الفرس و العرب (۱۳۷۵) نویسنده ناشناس، به تصحیح محمدتقی دانش پژوه،
تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

الواقدی، محمد بن عمر (۱۹۸۴) المغازی، تحقیق مارسدن جونز، الجزء الثاني، القاهره: عالم الکتب.
یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲) تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، جلد ۱، تهران: علمی و
فرهنگی.

Avni, G. (2010), "The sack of Gerusalem by The Sassanian Persians (614)-an Archaeological
Assessment", *American School of Oriental 357*, Pp 48-35.

Booth, Ph. (2014), *Crisis of Empire Doctrine and Dissent at the End of Late Antiquity*,
University of California Press.

Cameron, A. (2012), *The Mediterranean World in late Antiquity 395-700 AD*, Routledge:
London & New York.

Colt, H. D. (1962), *Excavations at Nessana*, Vol I, Princeton.

Crown, A.D. (1986), "Samaritans in The Byzantine orbit", in: *BJRL*, Publisher John Rylands
University Library: Manchester Vol 69, issue 1, Pp 138-96.

Dauphin, C. (1998), *La Palestine byzantine: epaulement et populations*, British
Archaeological Reports International Series 726, Oxford.

Farrokh, K., (2005), *Sassanian Elite Cavalry AD 224-642*, Osprey Publishing.

Morony, M, (1984), *Iraq after the Muslim conquest*, Princeton University Press.

Foss, C., (1997), "Syria in Transition, A. D. 550-750: An Archaeological Approach",
Dumbarton Oaks Papers, published by Dumbarton Oaks, Trustees for Harvard
University, Vol 51, Pp 189-269.

Foss, C., (2003), "The Persians in the Roman Near East (602-630 AD)", *Journal of the Royal
Asiatic Society*, Published by Cambridge University Press, Vol 13, No 2, Pp 149-170.

Frye, R. N., (2008), "The political history of Iran under the Sasanians", *from Part 1 - Political
history*, Edited by E. Yarshater, Cambridge University Press, Chapter 4, Pp 116-180.

Gyselen, R., (2002), *Nouveaux matériaux pour la géographie historique de l'empire
sassanide: sceaux administratifs de la collection Ahmad Saeedi*, Paris.

Gyselen, R., (1989), *La géographie administrative de l'empire sassanide: les témoignages
sigillographiques*, Paris.

Gyselen, R., (2001), *The Four Generals of the Sasanian Empire: Some Sigillographic
Evidence*, Rome.

Gyselen, R., (2009), «Sources arméniennes et sources primaires sassanides: harmonie et
dissonance», in: *M.-A. Amir-Moezi, J.-D. Dubois, C. Jullien, F. Jullien, eds., Pensée
grecque et*

sagesse d'Orient. Hommage à Michel Tardieu. Brepols, EPHE, p.293-306. (Bibliothèque

- de l'Ecole des Hautes Etudes, section des Sciences religieuses 142).
- Haldon, J.F., (2010), "Introduction: Greater Syria in the Seventh Century: Context and Background", In: *Money, Power and Politics in Early Islamic Syria A review of current debates*, Edited by John Haldon, Published by Ashgate Publishing Ltd, Pp 1-20.
- Haldon, J.F., (1990), *Byzantium in The Seventh century: the transformation of a culture*, Cambridge University Press.
- Heidemann, S., (1998), "The merger of two currency zones in early Islam. The Byzantium and Sasanian impact on The circulation in former Byzantine Syria and northern Mesopotamia", *Iran*, Published by Taylor & Francis, Ltd., Vol 36, Pp 95-112.
- Howard-Johnston, J. D., (2006), "The official history of Heraclius' Persian campaigns", in: *East Rome, Sasanian Persia and the End of Antiquity: Historiographical and Historical Studies*, ed by James Howard-Johnston, ASHGATE VARIORUM, IV, Pp 57-87.
- Howard-Johnston, J. D., (2012) "THE LATE SASANIAN ARMY", in: *Late Antiquity: Eastern Perspectives*, edited by Teresa Bernheimer and Adam Silverstein, Publishing The Gibb Memorial Trust.
- Howard-Johnston, J. D., (2010), *Witnesses to a World Crisis Historians and Histories of the Middle East in the Seventh Century*, Oxford University Press.
- Howard-Johnston, J. D., (2017), "The Persian wars, 602-628", *Part XI. From the Roman Empire to the Byzantine Empire*, wiley online Library: <https://doi.org/10.1002/9781119099000.wbabat0940>
- James of Edessa, (1993) *Chronicle*, tr: A. Palmer, *The Seventh Century in the West-Syrian Chronicles* (Translated texts for Historians, 15), Liverpool.
- Kennedy, H., (1987), "Recent French archaeological work In Syria and Jordan", *Byzantine and Modern Greek Studies*, Routledge, Vol 11: 1, 245-252.
- Kennedy, H., (2010), "Syrian Elites from Byzantium to Islam: Survival or Extinction?", In: *Money, Power and Politics in Early Islamic Syria A review of current debates*, Edited by John Haldon, Published by Ashgate Publishing Ltd., Pp 181-200.
- Kraemer, C.J, (1958), *Excavations at Nessana*, Vol 3: Non-literary Papyri, Princeton University Press.
- Lee, A.D., (2000), *Pagans and Christians in late Antiquity*, Routledge: London & New York.
- Liebeschuetz, W, (2015), *East and West in Late Antiquity Invasion, Settlement, Ethnogenesis and Conflicts of Religion*, Vol 20, BRILL: Leiden – Boston.
- Mayerson, P., (1964), "The first Muslim attacks on southern Palestine (A.D. 633-634)", *Transactions and proceedings of the American Philological Association* 95, 199-155.
- Meimaris, Y.E, (1992), *Chronological Systems in Roman-Byzantine Palestine and Arabia: the Evidence of the Dated Inscriptions*, Athens.
- Morony, M., (1984), *Iraq after the Muslim Conquest*, Princeton University Press.
- Potter, D, (2015), "Measuring the Power of the Roman Empire", in: *East and West in the Roman Empire of the Fourth Century*, Edited by Roald Dijkstra, Sanne van Poppel and Daniëlle Slootjes, Published by Brill, VOL 5, Chapter 2: Pp 26-48.
- Pottier, H., (2010), "Le Monnayage de la Syrie sous l'occupation Perse (610-630). Complément", In: *Revue numismatique*, 6e série - Tome 166, année 2010, Pp 447-476; doi: <https://doi.org/10.3406/numi.2010.2946>.
- Pottier, H, and Foss, C, (2004), *Le Monnayage de la Syrie sous l'occupation Perse (610-630): The coinage of Syria under Persian occupation (610-630)*, catalogue number 20.73 onwards, Cahiers Ernest-Babelon,9: Paris.
- Pottier, H., (2015), "7th Century 'barbarous' Folles; a Secondary Mint in the Eastern Part of the Byzantine Empire under Persian Rule", *Coinage and History in the Seventh century Near East 4. Proceedings of the 14th Seventh Century Syrian Numismatic Round Table held in Worcester on 28th and 29th September 2013*, London, Pp 17-26: <https://www.academia.edu/>.
- Reynolds, D.K., (2013), *Monasticism and Christian Pilgrimage in Early Islamic Palestine c.614-c.950*, Ph.D. Dissertation, University of Birmingham.
- Russel, G., (2001), "The Persian Invasions of Syria/Palestine and Asia Minor in The Reign of Heraclius: Archaeological and Numismatic Evidence", *Hoi skoteinoi aiōnes tou Byzantiou (7^{os} – 9^{os} ai.) / the Dark centuries of Byzantium (7th-9th c.)*, ed E Kountoura

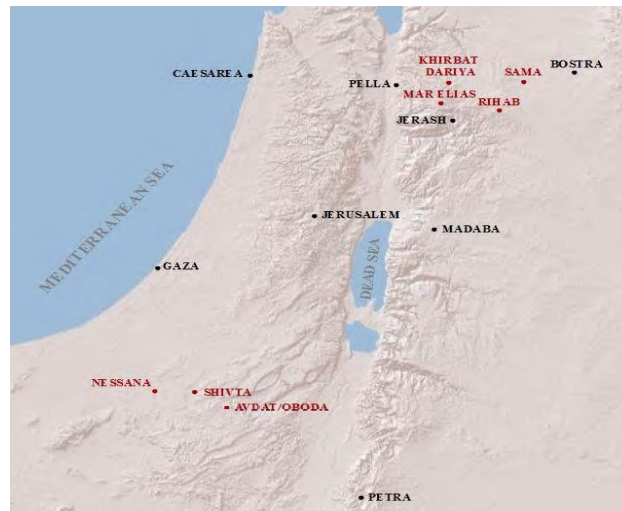
- Galakē, Ethniko Hidryma Ereunōn, Institutouto vyzantinōn Ereunōn: Athens.
- Sänger, P., (2011), "The Administration of Sasanian Egypt: New Masters and Byzantine Continuity", *Greek, Roman, and Byzantine Studies*, Duke University Libraries, VOL 51, Issue 4, Pp 653-665.
- Schick, R., (1995), *The Christian Communities of Palestine from Byzantine to Islamic Rule: A Historical and Archaeological Study (Studies in late Antiquity and early Islam 2)*, INC. Princeton, New Jersey.
- Shboul, A., and Walmsley, A., (1998), "Identity and self-image in Syria-Palestine in The transition from Byzantine to early Islamic rule: Arab Christians and Muslims", *Mediterranean Archaeology*, Published by Meditarch, Vol. 11, Identities in The Eastern Mediterranean in antiquity: Proceedings of a Conference held at the Humanities Research Centre in Canberra 10–12 November, 1997 (1998), Pp 255-287.
- Stemberger, G., (2006), "Christians and Jews in Byzantine Palestine", *Christians and Christianity in the Holy Land*. (Cultural Encounters in Late Antiquity and the Middle Ages, 5), ed O Limor and G. G. Stroumsa, Brepols: Turnhout, Pp 321-293.
- Stoyanov, Y., (2011), *Defenders and Enemies of The True Cross The Sasanian Conquest of Jerusalem in 614 and Byzantine Ideology of Anti-Persian Warfare*, Published by Verlag der osterreichischen Akademie der Wissenschaften.
- Trombley, F., (1997), "War and society in rural Syria c. 502–613 A.D.: observations on the epigraphy", *Byzantine and Modern Greek Studies*, Cambridge University Press: 22 January 2016, Vol 21, Issue 1, Pp 154-209.
- Tsafirir, Y., and Foerster, G., (1997), *Urbanism at Scythopolis-Bet Shean in the fourth to seventh*, Dumbarton Oaks Center for Byzantine Studies: Washington.
- The Chronicle of Paschal*, (2007), *Chronicle paschal 284-628 A.D*, tr: M. Whitby and M. Whitby (Translated texts for Historians, 7), Liverpool.
- The Latin Dossier of Anastasius the Persian*, (2004), *Hagiographic Translations and Transformations* by C. V. Franklin, Pontifical Institute of Mediaeval Studies: Canada.
- Theodoropoulos, P., (2020), "The Migration of Syrian and Palestinian Populations in the 7th Century: Movement of Individuals and Groups in the Mediterranean". In: *Migration Histories of the Medieval Afroeurasian Transition Zone, Studies in Global Social History, Volume 39/13 Studies in Global Migration History*, ed J. Preiser-Kapeller, L. Reinfandt, and Y. Stouraitis, published by Brill, Chapter 10, Pp 261-287.
- Theophanes the Confessor, (1997), *The Chronicle of Theophanes Confessor, Byzantine and Near Eastern History AD 284-813*, TR: with Introduction and Commentary by C. Mango and R. Scott with the assistance of Geoffrey Greatrex, Oxford.
- Theophanes the Confessor (1982), *Chronographia*, tr: Harry Turtledove as *The Chronicle of Theophanes: An English Translation of anni mundi 6095-6305 (A.D. 602-813)*, University of Pennsylvania Press: Philadelphia.
- Theophilus of Edessa, (2011), *Theophilus of Edessa's Chronicle and the Circulation of Historical Knowledge in Late Antiquity and Early Islam*, tr: R. G. Hoyland, (Translated texts for Historians, 57), Liverpool.
- Vasiliev, A., (1952), *History of The Byzantine empire 324-1453*, Vol I, University of Wisconsin Press.
- Walmsley, A., (2007), *Early Islamic Syria AN Archaeological Assessment*, published by Gerald Duckworth & Co. Ltd.
- Walmsley, A., (2000), "Production, exchange and regional trade in the Islamic East Mediterranean: old structures, new systems?", in: *The Long eighth century*, Editors I.L. Hansen, C. Wickham, BRILL: Leiden – Boston, Vol II, Pp 265-343.

پیوست‌ها

نقش اهدایی برای استفانوس (تاریخ ۶۲۰م، رحاب).

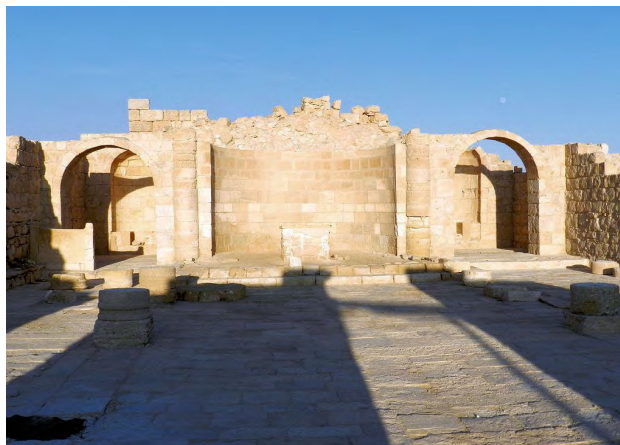
+ Ἐν ὀνόματι τ(ῆ)ς ἁγίας (καὶ) ὁμοουσ(ιου) Τριάδος [ἐπι τ]οῦ ἁγιοτ(ατου) Πολεῦκ(του) ἀρχιεπισκόπου ἐθεμελιώσθη ὁ ναός οὗτος τοῦ ἁγίου Στεφάνου (καὶ) ἐνηφωθ(η) (καὶ) ἐτελιώθη ἐκ προσφορ(ας) Σεργίου πρε(σβυτερου) (καὶ) Στρ(ατωνος) υἱων Γεργίου ἐν τῷ πατρικῷ αὐτῶν τοπῷ Ἰωάννου Καρκουσοῦ παραμο(ναριου) ἐν μη(νι) Μαίῳ χρ(ονοις) ἡ ἰνδ(ικτιωνος) τοῦ ετ(ου)ς) ΦΙΕ.

به نام تثلیث مقدس و متبرک در زمان مقدس‌ترین اسقف پولیوکتوس، کلیسای استفانوس مقدس با اهدای کشیش سرگیوس و استراتینوس، پسر جورج که جانشین پدرش شده بود و جان کورکوسوس پاراموناریوس در ماه مه ۵۱۵ سلوکی، ساخته، مبله و تکمیل شد (Reynolds, 2013: 119).



نقشه مکان‌ها با رنگ قرمز که کتیبه‌های بین ۶۱۴ تا ۶۲۸م حک شده‌اند، مشخص شده است.
(Reynolds, 2013: 120)

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۳، بهار ۱۴۰۱ / ۵۱



صحنه هاجیوس تنودوروس (Hagios Theodoros) که در آوادات/اوبودا در ۶۱۷م کنده شده است.
(Reynolds, 2013: 124)

نمونه‌ای از سکه‌های برنزی که در زمان فرمانروایی ساسانیان در سوریه ضرب شده است.



سکه تقلیدی، تصویر یوستین و همسرش سوفیا را دارد
(Pottier, and Foss, 2004: 287)

۵۲ / فرمانروایی ساسانیان بر سوریه در دوره خسرو پرویز (۶۲۸-۶۰۴م) / احمد الحواط و ...



سکه تقلیدی، تصویر هراکلیوس و پسرش کنستانتیوس را دارد

(Pottier, 2010: 468; Pottier, and Foss, 2004: 282)

List of sources with English handwriting

- Aqābūs b. Qustantīn al-Manbīī. (1907). *al-'onwān al-mokallal beqazā' al al-Hikma al-matūj bī Anwā' al-falsafa al-mamdūh bī Haqā'q al-ma'rifa*, Beirut: Maṭba'a al-Abā' al-Yasū'in. [In Arabic].
- Al- Balādūrī, Abi al-Hassan, Ahmad b. Yahyā. (1958), *Fotūh al-Boldān*, Translated by Mohammad Tavakol, Publisher Noqreh: Tehran [In Persian].
- Al- Mas'ūdī, 'Alī b. al-Hussain. (2003), *Morūj al-dahab wa-Ma'ādīn al-ḥawhar*, Translated by Abū-Qāsem Pāyande, vol I, 'Elmīfarhangī: Tehran [In Persian].
- Al- Maqddasī, Shams al-DDīn Abū 'Abd Allāh Mohammad b. Aḥmad. (1991), *Aḥsan al-taqāsīm fī ma'rifat al-aqālīm*, Madbouly: Cairo [In Arabic].
- Al-Ṭabarī, Mohammad b. Jarīr. (1983-1984). *Tārīk al-Rosūl wa al-Molūk*, Translated by Abū-Qāsem Pāyande, vol I–II, Asāfir: Tehran [In Persian].
- Al-Wāqīdī, Moḥammad b. 'Omar. (1984), *al-Maḡāzī*, ed. MARS DEN JONES, vol II, alamalkotob: Cairo [In Arabic].
- Al-Ya'qūbī, Ahmad b. Abī Ya'qūb. (2003), *Tārīk al-Ya'qūbī*, Translated by Moḥammad Ibrahim Āyatī, vol I, 'Elmīfarhangī: Tehran [In Persian].
- Avni, G. (2010), "The sack of Jerusalem by The Sassanian Persians (614) – an Archaeological Assessment", *American School of Oriental Studies* 357, Pp 48-35.
- Dahim, Bahram. (2004). *kosrow Parvīz and the twenty-seven years of Iran-Rome wars*, Publishers rasti- no [In Persian].
- Daryae, Touraj. (2014), *Sasanian*, Translated by Shahnaz Etemadi, Toos: Tehran [In Persian].
- Daryae, Touraj. (2009), *ŠAHRESTĀNHĀYE IRANŠAHR, A Middle Text on late Antique Geography, Epic and History*, Translated by Shahram Jalilian, Toos: Tehran [In Persian].
- Ferdowsī, Abū-Qāsem. (2012), *Šāhnameh*, ed. by Pejman hossein poor, takbook [In Persian].
- Ebn Hīšām, Abū Moḥammad 'Abd al-Malīk b. Hīšām b. Ayyūb al-Hīmyārī. (1990), *Al-Sīrah Al-Nabawīyyah*, ed. Omar Abd al-Salām Tadmori, vol II, Dār al-kitab Alarabe: Beirut [In Arabic].
- Ebn kaldūn, 'Abd al-Rahmān b. Mohammad. (2004), *Kītab al-'Ibar*. Translated by 'Abd al-Mohammad Āyatī, Vol I, Institute for Humanities and Cultural Studies: Tehran [In Persian].
- Ebn Rosta, Abū 'Alī Aḥmad b. 'Omar. (1894), *Kītab al-a'la'iq al-naḥḥa*, vol 7, Brill: Leiden [In Arabic].
- Ebn Sa'd, Moḥammad. (2001), *At-Tabaqāt al-Kabīr*, ed. Ali Moḥammad 'Umar, vol I, Maktabat al-Khānjī: Cairo [In Arabic].
- Pigulevskaia, Nina. (2015), *Византия и Иран на рубеже VI и VII веков (Iran and Byzantium in the sixth and seventh centuries AD)*, Translated by Kambiz Mir Baha'i, qoqnoos: Tehran [In Persian].
- Sa'eed b. Batrīq. (1905), *Kītab al-tārīk al-majmū' 'alā al-tahqīq wa al-taḥḥīq or Nazm al-ḥawhar*, Book I–II, Beirut: Maṭba'a al-Abā' al-Yasū'in [in Arabic].
- Zarinkoob, Roozbeh, Ghahremani, Jamshid, (2018), "The Status And The Political Role Of The Jews During The Reign Of Khosrow Parvī Z", *ADYAN VA ERFAN (IRANIAN JOURNAL OF THE RELIGIONS & MYSTICISM)*, Vol. 51, No. 1, Spring & Summer, Pp 87- 65 [In Persian].



Sassanids' rule over Syria during the reign of Khosrow Parviz (604-628 AD)¹

Ahmad Alhawwat²
Mohammad Taghi Imanpour³

Received: 2021/09/25
Accepted: 2022/01/06

Abstract

Sassanids' rule over Syria during the reign of Khosrow Parviz (604-628 AD) has been discussed by scholars of ancient history over the past hundred years. Many of them believed that the Sassanids' rule in Syria ended the collapse of social and economic institutions and structures of the Syrian land during the time of Khosrow Parviz and have described it as very negative and destructive. In this article, it has been tried to show that on contrary to the common opinion and based on historical evidence and using written sources and archaeological data to show that the Sassanids' rule in Syria did not cause the collapse of the administrative, socio-cultural and economic structures of this land, but the previous structures with slight changes continued in this period. It seems after military domination over this land, the Sassanids re-organized the previous administrative structure and order with a few changes, although they took over the political and military management, but, the financial and civil management of the land remained under the control of local urban aristocrats and religious leaders. By using the method of historical research, it has been done descriptively-analytically.

Keywords: Sassanids, Syria, Khosro Parviz, Byzantium, local aristocracy.

1. DOI:10.22051/HII.2022.38245.2564

2. Ph.D. Candidate of Ancient History of Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities of Dr Ali Shariati, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran: ahamad.alhwwat@gmail.com

3. Professor of Ancient History of Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities of Dr Ali Shariati, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author): mimanpour@hotmail.com
Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493